



سرشناسه: فضلی، محمدرضا، ۱۳۳۴ -  
 عنوان قراردادی: کشف الاسرار و عدةالابرار. برگزیده  
 اسرار الصلوة. فارسی. برگزیده  
 عنوان و نام پدیدآور: اسرار الصلوة میبدی: برگرفته از کشف الاسرار و عدةالابرار رشیدالدین  
 میبدی احمدبن ابی سعید... پژوهش و تحقیق محمدرضا فضلی.  
 مشخصات نشر: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۳.  
 فروست: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ؛ ۱۳۹۳/۱۰۶/پ۵۳.  
 دفتر ریاست: ۱.  
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۸۸۴-۰  
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
 موضوع: نماز  
 موضوع: نثر فارسی - قرن ۶ق.  
 یادداشت: چاپ دوم؛ ۱۳۹۳ (فیبا)  
 شناسه افزوده: میبدی، احمدبن محمد، قرن ۶ق. کشف الاسرار و عدة الابرار. برگزیده  
 شناسه افزوده: فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۰۰۶ - ۱۰۹۱ق. اسرار الصلوة. برگزیده  
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ن۸۴/م۹/۲/۱۸۶ BP  
 رده بندی دیویی: ۲۹۷ /۳۵۳  
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۴۶۱۰۵

### حق چاپ برای ناشر محفوظ است

#### اسرار الصلوة میبدی

پژوهش و تحقیق: محمدرضا فضلی

چاپ دوم: ۱۳۹۳ش / ۴۳۶ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: کوثر ● قیمت: ۲۱۰۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

### با سپاس از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند.

- مدیر انتشارات: عباس ثقفی
- ناظر فنی: محمداقبر شگری
- آماده‌ساز: گروه صفحه‌آرایی بیستون
- معاونت تولید: روح‌الله سلمانی
- ناظر گرافیک: مسعود مهدوی
- صفحه‌آرا: گروه صفحه‌آرایی بیستون
- ناظر تولید: جعفر قاسمی ابهری
- ناظر چاپ: نعمت‌الله یزدانی
- ویراستار: محسن محقق

قم، چهارراه شهدا، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸. تلفکس: ۰۲۵-۳۷۸۲۳۹۳۰۵-۹  
 قم، بلوار محمدامین، سراه سالاریه. تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۳۳۱۰۶ - فکس: ۰۲۵-۳۲۱۳۳۱۴۶

# اسرار الصلوة ميدي

برگرفته از

كشف الأسرار و عدّة الأبرار

رشيد الدين مبيدي احمد بن ابي سعد  
همراه با گزينشي از اسرار الصلوة مرحوم فيض

پژوهش و تحقيق: محمدرضا افصلي



مركز بين المللي  
ترجمه و نشر  
المصطفى

## سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌باشد.

«جامعه المصطفیٰ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» را تأسیس کرده است.

اثر حاضر با عنوان اسرار الصلوة میبیدی حاصل پژوهش فاضل گرامی جناب آقای محمدرضا افضلی، کوششی است در به ثمر رساندن گوشه‌ای از این اهداف متعالی.

در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفیٰ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

## فهرست

۷	..... کتاب شناسی
۷	..... شناسه «تفسیر کشف الاسرار و عده الابار و مؤلف گرانسگ آن»
۱۰	..... کتاب اسرار الصلوة
۲۱	..... پیش درآمد
۲۲	..... بسم الله الرحمن الرحيم
۲۴	..... مقام خلیفه الهی انسان
۲۷	..... نماز و صحیفه دوستی
۴۱	..... فرق میان خلیل و حبیب
۴۱	..... عشق ابراهیم خلیل الله به حضرت دوست
۴۵	..... قصه میان جان و دل
۴۸	..... اشتیاق و تلخی فراق
۵۸	..... تزکیه و طهارت نفس
۷۷	..... عهد و پیمان الهی و دریای عفو و بخشش
۸۹	..... تقوی اصل همه هنرهاست و مایه همه طاعتها
۹۸	..... ذکر و عبودیت حضرت حق
۱۱۷	..... عشق بندگان خدا به خدا و نشانه عاشقی
۱۳۵	..... توفیق و فراخوانی حضرت حق
۱۳۹	..... دعا و نوای عاشقان
۱۴۶	..... آداب دعا
۱۵۱	..... عبادت و تقرب
۱۶۰	..... نشانه بندگی خدا
۱۶۸	..... طهارت و وضو
۱۶۹	..... فصل: در فضیلت مسواک کردن و آداب آن
۱۷۱	..... در چگونگی وضو و آداب و سنتهای آن
۱۷۳	..... بیان فضیلت وضو
۱۷۷	..... تیمم
۱۸۰	..... فصل: اسرار طهارت
۱۸۳	..... نماز شریفترین رکن دین پس از توحید
۱۸۹	..... فضیلت نماز واجب
۲۰۱	..... فضیلت نماز اول وقت
۲۰۳	..... خشوع شرط نماز است
۲۰۶	..... شرح خشوع و حضور قلب
۲۰۹	..... داستانهها و خبرهایی درباره نماز خاشعان
۲۱۱	..... معانی باطنی که نماز به آنها کامل می شود
۲۱۴	..... قبله و قبله شناسی
۲۱۶	..... فصل پیرامون قبله

۲۲۰	فضیلت اذان یا بانگ نماز
۲۲۳	فصل: توجه به خداوند
۲۲۴	فصل: نیت و اخلاص در آن
۲۲۵	اخلاص و مقام مخلصین
۲۳۴	فصل: دعای استفتاح
۲۳۶	تکبیرة الاحرام
۲۳۶	فصل: تکبیر
۲۳۸	شرح معانی نماز
۲۳۹	<b>تفسیر عرفانی سوره فاتحه</b>
۲۴۹	حدیث
۲۵۳	در تفسیر سوره توحید (اخلاص)
۲۶۱	<b>تفسیر سوره قدر</b>
۲۶۴	فصل: اما دوام قیام
۲۶۵	قنوت و دعاهای قرآنی
۲۸۷	رکوع و لواحق آن
۲۸۸	فصل: انا رکوع و سجود
۲۸۹	سجود
۲۹۰	فضیلت سجود
۲۹۳	سجده و فروریختن تکبیر
۲۹۶	تشهد
۲۹۷	فصل: معنای تشهد
۲۹۸	تشهد و جایگاه پیامبر ﷺ
۳۰۶	تسبیحات اربعه
۳۰۸	فصل در سلام و پایان نماز
۳۰۸	سلام و تسلیم
۳۱۰	تهجد و سحرخیزی
۳۲۵	فضیلت مسجد و محل نماز
۳۲۸	فضیلت نماز جماعت
۳۳۲	اهمیت ورزش نماز جماعت در مسجد
۳۳۳	فضیلت نماز جمعه
۳۳۶	آداب جمعه
۳۴۷	<b>تفسیر سوره جمعه</b>
۳۵۳	<b>تفسیر سوره منافقین</b>
۳۵۶	تفسیر آیه الكرسی (توحید و خداشناسی)
۳۶۱	توبه و بازگشت تائبان
۳۷۸	مناجات و نیایش

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ نماز روشنی چشم من است.»  
 امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «إِنِّي أَحَبُّ الصَّلَاةِ؛ من به نماز عشق می‌ورزم.»

## کتاب‌شناسی

### شناسه «تفسیر کشف الاسرار و عدّة الابرار و مؤلف عالی قدر آن»

همان‌گونه که اهل فن آگاهند تفسیر کشف الاسرار و عدّة الابرار براساس تفسیر خواجه عبدالله انصاری (تفسیر الهروی) تدوین شده است که متأسفانه اکنون تمامی آن در دسترس نیست. کشف الاسرار و عدّة الابرار گنجینه گران‌بهایی از لغات، امثال، تشبیهات و تعبیرات و بازگوکننده ادبیات کهن فارسی است؛ درعین حال دارای مزایای دیگر تفاسیر نیز می‌باشد؛ زیرا همان بحث‌هایی که در تفاسیر عربی درباره قرائت، شأن نزول، لغت، صرف، نحو و بیان به زبان عربی شده، در این تفسیر به زبان شیرین و روان فارسی آمده و حتی اخبار و احادیث و اشعار هم در بیشتر موارد به زبان فارسی ترجمه شده است.

این تفسیر از جمله تفاسیری است که ضمن برخورداری از شیرینی زبان فارسی، دربردارنده نکات جالب عرفانی، تفسیری، تاریخی و ادبی نیز هست.

مرحوم میبیدی براساس تفسیر الهروی خواجه عبدالله انصاری، کتاب کشف الاسرار و عدّة الابرار را در ده مجلد نگاشته است. اساس کار میبیدی بر این است که هر آیه‌ای را سه بار مطرح می‌کند.

### مرحله اول

در بار اول، معنی تحت اللفظی آیه به گونه ایی سلیس و روان بیان شده است. نخستین و مهم ترین نکته در این ترجمه، برابری پاری است که میبیدی در برگرداندن برخی لغت های قرآن آورده، و بسا که بعضی از آنها نوساخته خود او و نموداری است از شیوه واژه سازی پیشینیان.

### مرحله دوم

در مرحله دوم، شأن نزول آیه، ناسخ و منسوخ بودن و و تفسیر آن از نظر شرعی و اقوال مفسران آمده که در حقیقت، بخش اعظم کتاب صرف این قسمت شده است. در این قسمت، احادیث نبوی و اقوال صحابه و بزرگان دین می آید و کتاب را از معارف اسلامی سرشار می کند. احادیث مجعول و ضعیف بسیاری در این قسمت دیده می شود؛ اما برتری با احادیث صحیح، و سخنان با مأخذ است.

### مرحله سوم

در مرحله سوم، آیات قرآن شریف از نظر عرفانی بررسی شده است. در این بخش، تفسیر از یکنواختی بیرون می آید و هنر نویسندگی و ذوق عرفانی میبیدی و اثر پذیری او از خواجه عبدالله را نشان می دهد و مجموعه نفیسی از حکمت و عرفان عملی و داستان های اخلاقی دلپذیر به خواننده ارائه می دهد. از استفاده های شایانی که مرحوم میبیدی در این قسمت از خواجه انصاری نموده، مناجات ها است. عبارات فارسی پیرهرات، غالباً مسجع است و گاهی بندهای مسجعات او به ویژه در مناجات ها در وزن و دلکش بدان پایه است که با اندک تصرفی به شعری موزون بدل می شود. شور، وجد و حال آمیخته با نوعی وزن که در مناجات های پیرهرات وجود دارد از قدیم دل مشتاقان را صید کرده؛ تا آنجا که شهرت او در میان فارسی زبانان از خاص و عام، به دلیل این مناجات ها دانسته شده است. این تفسیر نفیس، مشتمل بر ده مجلد است که هر جلد حدود هشتصد صفحه دارد و دانشگاه تهران به اشارت علی اصغر حکمت پی به ارزش این تفسیر شریف برد و تصویب نمود که هر ده مجلد به اهتمام ایشان به زیور طبع آراسته گردد. این کتاب را انتشارات امیرکبیر مکرر تجدید چاپ کرده است و نسخه حاضر چاپ پنجم آن در سال ۷۱ خورشیدی است.

تذکره نویسان آورده اند، ابوالفضل احمد بن ابی سعد بن احمد بن مهریزد، که غالباً او را رشیدالدین ابوالفضل یا ابوالفضل رشیدالدین میبیدی می نامند، مؤلف کتاب کشف الاسرار و عُدّة الأبرار است. پدرش «جمال الاسلام ابوسعید بن احمد بن مهریزد متوفی به سال ۴۸۰ ق باشد که بنا به روایات منقول در تواریخ از صلحا و عباد و مزارش تا عهد صفویه برقرار و مورد اعتنا و توجه خاص و عام بوده است».



ابوالفضل میبیدی در ابتدای کشف‌الاسرار (ج ۱، ص ۱۹۵، ج ۳، ص ۱۳۹ و ج ۹، ص ۱۴) تصریح می‌کند که در ۵۲۰ ق، شروع به نوشتن آن کرده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میبیدی از علما و مفسران قرن ششم است و شاید بتوان گفت که دوران عمر وی از نیمه دوم قرن پنجم شروع می‌شود و در اوایل نیمه دوم قرن ششم خاتمه می‌پذیرد. میبیدی از نظر اعتقادی در فروع دین از پیروان شافعی است و از این حیث از نظر فکری متمایل به خاندان علی بن ابی‌طالب علیه السلام است؛ زیرا شافعی خود دوستدار علی علیه السلام و خاندانش بوده است:

ومات الشافعی ولیس یدری      علی ربّه ام ربّه الله  
شافعی مرد و ندانست به خدا      که علی بود خدایش یا که خدا

میبیدی می‌گوید: «فما من مومن الا و هو یحب علیا» (همان ج ۶، ص ۸۴). عشق و محبت میبیدی به خاندان پیامبرگرمی علیهم السلام در جای جای کشف‌الاسرار نمایان است و فضایل بی‌شماری به عنوان شأن نزول آیات ویژه پنج‌تن آل عبا و اصحاب کسا نقل می‌کند و جلوه‌های زیادی از ولایت متجلی می‌سازد. وی دیباچه کلام خود را به خوبی می‌گشاید و با نگارش جمله «خیر کلمات الله اشکر علی ما افتتح به القرآن من الحمد فالحمد لله رب العالمین و الصلوة علی رسوله محمد وآله اجمعین اما بعد...» (همان ج ۱، ص ۱)، به این سخن مروی از صاحب شریعت رسول خاتم صلوات الله علیه عمل کرده است که فرمود: هنگام درود فرستادن بر من آن را ناقص نگوئید، بلکه بر خاندان من نیز درود فرستید و آنان را از من جدا مسازید، همانا که در روز قیامت تمامی سبب‌ها و نسب‌ها جز سبب و نسب من وجود نخواهد داشت. نکات تاریخی بسیار جالب و درخورد توجهی درباره برخی از فضایل آل پیامبر علیهم السلام در این تفسیر دیده می‌شود که گاه با نثر ادبی فوق‌العاده زیبایی مشحون و آمیخته شده است. برای نمونه به برخی از آنها فهرست‌وار اشاره می‌گردد: ماجرای مباحله پیامبر صلوات الله علیه و اصحاب کسا را با ترسایان نجران مطرح می‌سازد و داستان عقد اخوت را بیان می‌کند که حضرت رسول صلوات الله علیه در مدینه انجام داد و میان مهاجران و انصار برادری برقرار کرد و افرادی را که باهم تناسب داشتند، به برادری ایمانی برگزید و علی علیه السلام را که سی سال از آن حضرت کوچک‌تر بود، برادر خویش انتخاب کرد.

ولایت علی علیه السلام بر مؤمنان را در شأن نزول آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» نقل می‌کند و آیه نجوا را ویژه علی علیه السلام می‌داند و از نقش و تأثیر بسزای علی علیه السلام در فتح خیبر و ناکارآمدی ابوبکر و عمر سخن گفته است. از فضایل و محاسن فاطمه زهرا و

- حسن و حسین علیهم السلام آن قدر بیان می‌کند که ویژگی این تفسیر به شمار می‌آید.
- او در جایی چنین نوشته است: «علی مرتضی ابن عم مصطفی، شوهر خاتون قیامت، فاطمه زهرا که خلافت را حارس بود و اولیا را صدر و بدر بود... رقیب عصمت و نبوت بود، عنصر علم و حکمت بود، اخلاص و صدق و یقین و توکل و تقوی و ورع شعار و دثار وی بود، حیدر کرار بود صاحب ذوالفقار بود، سید مهاجر و انصار بود» (کشف الاسرار و عقدة الابرار ج ۳، ص ۱۵۰). همچنین میبیدی در اصول دین، پیرو اهل حدیث و از تأویل بیزار است (همان ج ۵، ص ۳۰۷ و ج ۶، ص ۱۱۱).
- میبیدی با آنکه عارف خوشدلی است؛ در مسائل مذهبی، بسیار سخت‌گیر و پایبند است و از عقاید خود سخت دفاع می‌کند و به استدلال علیه دیگر فرق اسلامی می‌پردازد. وی علاوه بر این تفسیر کتابی به نام رابعین دارد که شامل چهل حدیث با شرح و بسط تمام است (همان ج ۵، ص ۲۱۹). علاقه‌مندان برای دریافت توضیحات بیشتر و کامل‌تر می‌توانند به مآخذ و منابع ذیل مراجعه فرمایند:
۱. آینه پژوهش، سال هشتم، ۴۳-۴۸، ۱۳۷۶، شماره ۴۴، «گشت و گذار در کشف الاسرار»، علی محمد هنر، ۱۶ به بعد. نقل به اختصار.
  ۲. بینات، سال دوم، شماره ۴، زمستان ۷۴، «جلوه‌های ولایت در تفسیر کشف الاسرار»، محمد امین پورامینی، علیه السلام ۱۲۶ به بعد.
  ۳. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاء‌الدین خرمشاهی، جلد اول، تفسیر کشف الاسرار و عدّة الابرار، مهدی محقق، علیه السلام ۷۴۱-۷۴۳.
  ۴. فهرست تفسیر کشف الاسرار و عدّة الابرار، محمد جواد شریعت، ص ۵-۱۰، نقل به اختصار.

### کتاب اسرار الصلوة

کثرت یادآوری نماز در آیات قرآنی، گویاترین دلیل بر اهمیت نماز از نظر شارع مقدس است. آثار به جامانده و سیره مرویه از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام نیز گویای این حقیقت است که نماز پس از توحید، بزرگ‌ترین رکن دین به شمار می‌آید. از مجموعه احادیث، به خوبی استفاده می‌شود که نماز اجزای ظاهری و اسرار باطنی دارد، و حقیقت نماز زمانی تحقق می‌یابد که نمازگزار به محتوا و باطن و اسرار نماز توجه ویژه داشته باشد و با حضور قلب در یابد که در چه مقامی ایستاده است. مرحوم ابن میثم در شرح نهج البلاغه در شرح این فراز از فرمایش حضرت امیر علیه السلام که فرمود: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ». «إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى». «الْإِيمَانُ بِهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ».

«فَاتَّيَهُ ذُرْوَةُ الْإِسْلَامِ». «وَكَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ». «وَإِقَامُ الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا الْمَلَّةُ»؛ «برترین وسیله‌ای که متوسلان می‌توانند با چنگ‌زدن به آن به خداوند سبحان تقرّب جویند، ایمان به او و پیامبرش و جهاد در راه اوست؛ زیرا جهاد قلّه بلند اسلام است، همچنین کلمه اخلاص (گفتن لا اله الا الله) می‌باشد، که ندای فطرت است، دیگر به پاداشتن نماز است که آیین دین است»؛ می‌گوید: در بیان امام علیه السلام نماز به دین تعبیر شده، زیرا نماز از ارکان مهمّ و ستون اصلی آیین مقدس اسلام به شمار آمده است.

او می‌گوید: باید دانست که نماز فضایل و اسراری دارد که آگاهی به آنها ضروری است؛ اما فضیلت‌های آن: گذشته از قرآن کریم که به‌طور مؤکد امر به انجام دادن آن می‌کند، اخبار بسیاری درباره اهمیّت آن وارد شده است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ مَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ هَدَمَ الدِّينَ»؛ نماز پایه دین است. هرکس آن را ترک کند، دین را ویران کرده است». همچنین فرموده است: «مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ الصَّلَاةُ»؛ نماز کلید بهشت است». در فضیلت کامل به‌جا آوردن نماز نیز فرموده است: «إِنَّ الرَّجُلَيْنِ مِنْ أُمَّتِي يَقُومَانِ فِي الصَّلَاةِ وَرُكُوعَهُمَا وَسُجُودَهُمَا وَاحِدًا وَإِنَّمَا بَيْنَ صَلَاتِهِمَا مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»؛ دو تن از امت من برای نماز به پا می‌خیزند و رکوع و سجود آنها یکی است، ولی میان نماز آن دو تفاوت از زمین تا آسمان است»، همچنین فرموده است: «أَمَّا يَخَافُ الَّذِي يَحْوَلُ وَجْهَهُ فِي الصَّلَاةِ أَنْ يَحْوَلَ اللَّهُ وَجْهَهُ حَمَازُ أَيَا كَسَى كَهْ فِي نَمَازِ رُؤْيِ مِي گِرْدَانْد، بِيْم نَدَارْد كَه خُدَاوَنْد چِهرِه او رَا بَه چِهرِه الْاِغ بَر گِرْدَانْد». همچنین از سخنان آن بزرگوار است که: «مَنْ صَلَّى رُكُوعَيْنِ لَمْ يَحْدَثْ فِيهِمَا نَفْسَهُ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ»؛ هرکس دو رکعت نماز به‌جا آورد و در آن، خیال دنیا را از دل بیرون کند، خداوند گناهان او را می‌آمرزد».

اسرار نماز دو گونه است: عام و خاص. در درجه نخست باید دانست که سرّ عمومی همگی عبادات از جمله نماز، عبارت است از تربیت نفس و خلاصی از گناه. دیگر این که عبادات، انسان را در رام کردن نفس سرکش اّماره برای فرمان برداری از نفس مطمئنّه، و عادت دادن به پیروی از آن، یاری می‌دهد. هنگامی که به این نکته توجه شود، دانسته خواهد شد که همگی آیات و اخباری که در فضیلت عبادات وارد شده است، معنا و مقصود آنها به همین نکته برمی‌گردد؛ مثلاً این که خداوند فرموده است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» نماز، انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد، برای این است که سبب ارتکاب این‌گونه اعمال، سرکشی نیروی شهوانی و بیرون رفتن آن از فرمان عقل است و نماز این نیروی طغیانگر را تحت فرمان عقل در می‌آورد و عقل هم انسان را از

انجام دادن این کارها نهی می‌کند. بنابراین نماز، انسان را از فحشا و منکر منع می‌کند و او را از ارتکاب این اعمال باز می‌دارد. همچنین با ملاحظه آنچه گفته شد، معنای این که نماز ستون دین است نیز دانسته می‌شود؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: **بني الإسلام علي خمس، فكلّ منها عماد بحسب شرائطه، فن أخلّ بها فقد هدم بنيانه الذي يصعد به إلي الله؛** اسلام بر پنج پایه استوار شده است و هر یک از آنها با شرایطی که دارد، ستون آن است؛ پس هر کس در انجام دادن شرایط هر یک از آنها کوتاهی کند، بنایی را که با آن به سوی خداوند بالا می‌رود، ویران کرده است. حدیث «نماز کلید بهشت است» نیز به همین معناست؛ زیرا با نماز است که ابواب رحمت و مغفرت خداوند به روی انسان باز می‌شود و در اینجا است که تفاوت نماز آن دو مسلمان که پیامبر اکرم ﷺ در حدیث خود به آنها اشاره فرموده، آشکار می‌گردد؛ زیرا اگر فایده نماز، رو آوردن به درگاه خداوند و سرکوب کردن شیطان باشد، نماز آن کس که با خشوع و خوف و خشیت در برابر خداوند ایستاده و همه دل را متوجّه عظمت و جلال او ساخته است، چگونه می‌تواند با نماز آن نادان که عبادتش این اوصاف را ندارد و شیطان، روی دل او را از جانب قبله به سمت دیگر برگردانیده است، برابر باشد و تفاوت آن از کجاست تا به کجا؟ همچنین حدیث آن بزرگوار مبنی بر تهدید کسی که در نماز روی خود را به جانب دیگر برمی‌گرداند نیز بر همین اساس است؛ زیرا آن حضرت نهی می‌کند از این که نمازگزار در حال نماز دل از توجه به خدا بردارد و از ملاحظه عظمت و جلال او غافل شود، برای این که هر کس در حال نماز به راست یا چپ خود متوجّه شود، دل از خدا برداشته و از مشاهده انوار کبریایی اش غافل شده است، و چنین کسی که ممکن است غفلت او ادامه یابد و در نتیجه نابخردی و نارسایی او در فهم امور متعالی و بی‌اعتنایی به کسب علوم و دوری از خدا، چهره دلش به چهره الاغ مبدّل گردد. همچنین است حدیث آن حضرت درباره این که خداوند گناه نمازگزاری را که در حال نماز حدیث نفس را ترک و خیال دنیا را از دل بیرون می‌کند، می‌آمزد؛ زیرا او در حال نماز رو به خدا داشته و دل از غیر او برداشته است. بنا بر این خلاصه و روح عبادت، توجّه به خدا و روی دل به سوی او داشتن است؛ از این رو پیامبر گرامی ﷺ فرموده است: **«إِنَّمَا فُرِضَتِ الصَّلَاةُ وَامْرَاطُهَا الْحَجُّ وَالطَّوْفُ وَاشْعَرَتِ الْمَنَاسِكُ لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ»؛** جز این نیست که نماز، واجب می‌باشد و به حج و طواف، امر و مناسک تشریح شده است، تا یاد خدا به پا داشته شود. اگر در ذکر و عبادتی که به جا آورده می‌شود، آن که مراد از ذکر و معبود و مطلوب است، در دل نبوده و بی‌می از هیبت و جلال او جان را فرا نرفته باشد، این ذکر و عبادت مربوط به او نخواهد بود. عایشه گفته است: پیامبر خدا ﷺ با ما سخن می‌گفت و ما نیز با او سخن می‌گفتیم، و چون وقت نماز فرا می‌رسید،

چنان متوجه خدا و از همه چیز منقطع می‌شد که گویا همدیگر را نمی‌شناسیم. همچنین علی علیه السلام هنگامی که وقت نماز می‌شد، چنان به خود می‌پیچید و می‌لرزید و رنگ رخسارش دگرگون می‌گشت که به او گفته می‌شد، ای امیر مؤمنان تو را چه شده است، می‌فرمود: هنگام ادای امانتی فرارسیده است که خداوند آن را بر آسمان‌ها و زمین عرضه کرد و آنها از پذیرفتن آن سرباز زدند و ترسیدند. علی بن الحسین علیه السلام نیز هنگامی که برای وضو آماده می‌شد، چنان رنگ رخسارش زرد می‌گشت که اهل خانه‌اش به او عرض می‌کردند: این چه حالتی است که هنگام وضو شما را فرا می‌گیرد، در پاسخ می‌فرمود: نمی‌دانید در پیشگاه چه کسی می‌ایستم. آنچه ذکر شد همه بر لزوم حضور قلب و توجه به عظمت باری تعالی و انقطاع از غیر او در حال عبادت دلالت دارد.

اسرار خاص نماز: چنان‌که می‌دانیم این فریضه جز ذکر، قرائت، رکوع، سجود، قیام و قعود چیز دیگری نیست، اما روشن است که ذکر عبارت از گفت‌وگو و مناجات با پروردگار متعال، و غرض از آنها حصول توجه به سوی او و یادآوری است بر آنچه نیروهای شیطانی را تحت رهبری عقل در می‌آورد و تکرار آن باعث ادامه حصول این مقصود است، و غرض از قرائت و ذکر و حمد و ثنای باری تعالی و تضرع و دعا همین است، و نه ادا و تکرار حروف و اصوات و به کار واداشتن زبان؛ زیرا اگر غرض این باشد، تحریک زبان به هذیان و یاوه‌گویی. که خود نیز موجب به‌کارگیری زبان است. برای انسان آسان‌تر می‌باشد.

همچنین غرض از رکوع و سجود و قیام و قعود، تعظیم و بزرگداشت خداوند متعال است، که این خود مستلزم توجه و التفات به او و همچنین متضمن ذکر و یاد اوست؛ زیرا اگر جایز باشد که انسان خدا را با به‌جا آوردن افعالی تعظیم کند در حالی که از او غافل باشد، روا خواهد بود که انسان بتی را پیش روی خود بنهد و در حالی که غافل از آن است، آن را تعظیم کند. حدیثی که معاذ بن جبل روایت کرده است این مطلب را تأیید می‌کند. «من عرف من علی یمنه و شماله متعمداً فی الصلاة فلا صلاة له»؛ هر کس در حال نماز از روی عمد دریابد چه کسی در سمت راست و چپ اوست، نمازی بر او نیست». همچنین در حدیث آمده است: «إِنَّ الْعَبْدَ لِيُصَلِّيَ الصَّلَاةَ لَا يَكْتَبُ لَهُ سِدْسَهَا وَلَا عَشْرَهَا وَإِنَّمَا يَكْتَبُ لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا عَقَلَ مِنْهَا؛ بنده خدا نماز می‌گزارد، (حتی) یک‌ششم و یک‌دهم آن برایش نوشته نمی‌شود، جز این نیست که از نماز بنده آنچه فهمیده و درک کرده است، پذیرفته و نوشته می‌شود». چون دانسته شد که پایه و زیربنای نماز، اقبال و توجه به خداوند متعال است، اکنون باید بدانیم که التفات و توجه، مستلزم یادآوری و درک است، و غرض از آن، دقت و ادراک مقام کبریایی و عظمت اوست، و دقت، جز اندیشیدن نیست که این نیز به منزله دیده بصیرت و مردمک چشم خرد انسان

است. بدیهی است که تذکر و ادراک مقام کبریایی خداوند موجب تعظیم اوست؛ زیرا عظمت و جلال او بزرگ‌تر و برتر از آن است که کسی آن را درک کند و در برابر آن سرفرود نیاورد. تعظیم خداوند و درک مقام ربوبی نیز مستلزم پدید آمدن بیم و امید یا خوف و رجاست؛ زیرا هنگامی که ما عظمت و قدرت یکی از پادشاهان روی زمین را تصوّر می‌کنیم، بی اختیار در برابر او توان سخن گفتن و پاسخ‌گویی را نداریم و لازم می‌دانیم که در روبه‌رو شدن با او آرام و فروتن باشیم و بسا می‌شود که در این هنگام، دچار لرزش تن و لکنت زبان نیز بشویم. آشکار است که منشأ این احساس، بیم ناشی از تصوّر بزرگی مقام پادشاه است. بنابراین، تصوّر مقام عظمت و جلال پادشاه پادشاهان و درهم‌شکننده سرکشان برای انسان چگونه خواهد بود، رجا و امید نیز همین گونه است؛ به عبارت دیگر هنگامی که عظمت و قدرت پروردگار را تصوّر می‌کنیم و می‌نگریم که هرچه هست از آن اوست، امید ما به او برانگیخته می‌شود؛ به‌ویژه این‌که در ضمن آیات مربوط به خوف و رجا نیز بر این نکته تأکید شده است.

همچنین تصور عظمت و جلال پروردگار، موجب پیدایش شرم و حیا در انسان است؛ زیرا تصوّر مقام کبریایی او باعث می‌شود که انسان، همواره احساس کوتاهی و تقصیر کند و خود را گنهکار بداند، و همین احساس و توهم موجب شرم و حیا از خداوند سبحان می‌شود.<sup>۱</sup>

همچنین ملاحسین کاشفی در *لبّ اللباب* تعبیر دل‌نشینی دارد. او می‌گوید: نماز عبارت است از توجه به حق و او را مراتب است به حسب مصلی. مرتبه نخست، نماز عوام قالبی باشد بیجان، چه نماز حضور دل است که «لا صلوة الا بحضور القلب» و آن صورت، بی ارتکاب ریاضات و مجاهدات از قبیل محالات است؛ و مرتبه دوم، نماز خواص است به حضور جوارح ظاهره و باطنه، و این چهار علامت دارد: شروع با علم و قیام با حیا و ادای با تعظیم و خروج با خوف، و مرتبه سوم، نماز اخص الخواص که اعراض به کلی از ماسوی الله و در بحر شهود مستغرق شدن است، و اینجا لطیفه «قرّة عینی فی الصلوة» روی نماید، و حقیقت نماز نیست الا مناجات با حق که «المصلي يناجي ربه» و در همین معنی حضرت مولوی می‌فرماید:

مرا غرض ز نماز آن بود که یک ساعت غم فراق تو را با تو راز بگذارم  
و گرنه این چه نماز است که هر ساعت نشستہ روی به محراب و دل به بازارم

و یقین باید دانست که بی‌مراقت انیس نیاز بر بساط نماز محرم راز نتوان شد.  
در کوی خرابات کسی را که نیاز است هشیاری و مست‌ایش همه عین نماز است

۱. خطبه ۱۰۷، ترجمه شرح نهج البلاغه ابن‌میثم، ج ۳، ص ۱۳۴.

اینجا سخن در آن می‌رود که سالک باید به معانی مودعه در نماز، که هر فعلی از افعال صلات اشارت به یکی از آن است، دانا گردد؛ تا خلعت نمازش نظر از اعزاز قبول معلم شود، و توجهی که در نماز مطلوب است، جز به تربیت پیر کامل که امام حقیقی است، میسر نباشد. همان‌گونه که ملای رومی سروده است:

این نماز آمد سلوک معنوی بی دلیلی در نمازت چون روی  
 ۳۴۱۲. معنی تکبیر این است ای امام کای خدا پیش تو ما قربان شدیم  
 ۴۴۱۲. وقت ذبح، الله اکبر می‌کنی همچنین در ذبح نفس کشتنی  
 ۵۴۱۲. تن چو اسماعیل و جان همچون خلیل کرد جان تکبیر بر جسم نبیل  
 ۶۴۱۲. گشت کشته تن ز شهوت‌ها و آرز شد به بسم الله پسمل در نماز  
 ۷۴۱۲. چون قیامت پیش حق صف‌ها زده در حساب و در مناجات آمده  
 ۸۴۱۲. ایستاده پیش یزدان اشک‌ریز بر مثال راست خیز رستخیز  
 ۹۴۱۲. حق همی‌گوید چو آوردی مرا اندر این مهلت که دادم من تورا  
 ۱۰۵۱۲. عمر خود را در چه پایان برده‌ای؟ قوت و قوت در چه فانی کرده‌ای؟  
 ۱۵۱۲. گوهر دیده کجا فرسوده‌ای؟ پنج حس را در کجا پالوده‌ای؟  
 ۲۵۱۲. چشم و هوش و گوش و گوهرهای عرش خرج کردی چه خریدی توز فرش؟  
 ۴۵۱۲. همچنین پیغام‌های دردگین صد هزاران آید از حضرت چنین  
 ۵۵۱۲. در قیام این گفت‌ها دارد رجوع وز خجالت شد دو تا او در رکوع  
 ۶۵۱۲. قوت استادان از خجالت نماند در رکوع از شرم تسبیحی بخواند  
 ۷۵۱۲. باز فرمان می‌رسد بردار سر از رکوع و پاسخ حق بر شمر  
 ۸۵۱۲. سر برآرد از رکوع آن شرمسار باز اندر رو فتد آن خام کار  
 ۱۶۱۲. باز گوید سر برآرد و بازگو که بخواهم جُست از تو مویه‌مو  
 ۲۶۱۲. قوت پا ایستادن نبودش که خطاب هیبتی بر جان زدش  
 ۳۶۱۲. پس نشینند قعده ز آن بار گران حضرتش گوید سخن گو با بیان  
 ۴۶۱۲. نعمت دادم بگوشکرت چه بود؟ دادمت سرمایه هین بنمای سود  
 ۵۶۱۲. روبه دست راست آرد در سلام سوی جان انبیا و آن کرام  
 ۶۶۱۲. یعنی ای شاهان شفاعت، کین لئیم سخت در گِل ماندش پای و گلیم